

Model of Emotional Divorce Based On The Components Of Early Maladaptive Schemas And Attachment Styles With Emotional Intelligence Mediation

ARTICLE INFO

Article Type
Analytical Review

Aurhors

Zahra Mousavi Khorami¹
Farideh Dokanehi Fard^{2*}
Reza Khakpour³

How to cite this article

Zahra Mousavi Khorami, Farideh Dokanehi Fard, Reza Khakpour, Model of Emotional Divorce Based On The Components Of Early Maladaptive Schemas And Attachment Styles With Emotional Intelligence Mediation, Journal of Islamic Life Style Centered on Health, 2020;4(3):63-74.

1. PhD Student, Department of Counseling, Faculty of educational science and Counseling (Management and Accounting), Islamic Azad University, Roudehen Branch, Tehran, Iran.
2. Associate Professor, Department of Counseling, Faculty of educational science and Counseling (Management and Accounting), Islamic Azad University, Roudehen Branch, Tehran, Iran. (Corresponding Author)
3. Assistant Professor, Department of Counseling, Faculty of educational science and Counseling (Management and Accounting), Islamic Azad University, Roudehen Branch, Tehran, Iran.

* Correspondence:

Address:
Phone:
Email: f.dokaneifard@riau.ac.ir

Article History

Received: 2020/08/25
Accepted: 2020/10/24
ePublished: 2020/10/24

ABSTRACT

Purpose: The purpose of this study was to determine the relationship emotional divorce based on the components of early maladaptive schemas and attachment styles with emotional intelligence mediation and provide a model for it.

Material and Methods: The research method was correlation of sequential exploratory and guided and the statistical population consisted of all married women referring to counseling centers in Tehran city in 2019 over 1854 persons. the Sample size based on Sample Power Software statistical (350 persons) and with a probability of 20% drop in the sample, (372 persons) were selected. sampling method of multi-stage random so that the city of tehran was divided into five regions: north, south, east, west and center) and then five counseling centers were selected from each region and 15 married women were selected from each counseling center, in total, 75 married women were referred from each region to the counseling centers was selected as a sample. the research instruments were Guttman emotional divorce 2008, early maladaptive schemas short-form questionnaire by Young 1988, attachment style scale by Collins and Reed 1990, Baron's emotional intelligence 1997. Data were analyzed using SPSS software and structural equation of Smart Pls.

Results: Results showed that model can predict emotional divorce based on attachment style ($\beta=-0/653$, $P=0/01$) and early maladaptive schemas ($\beta=-0/683$, $P=0/01$) with emotional intelligence mediation and it has a goodness fit. Direct path of attachment style ($\beta=0/704$, $P=0/01$) and early maladaptive schemas style ($\beta=0/763$, $P=0/01$) and emotional intelligence ($\beta=-0/674$, $P=0/01$) on significant emotional divorce and indirect path results show that attachment styles ($\beta=0/691$, $P=0/01$) and early maladaptive schemas ($\beta=0/734$, $P=0/01$) with emotional intelligence mediation on emotional divorce had a goog effect size.

Conclusion: In order to create a cohesive and satisfying marital relationship based on cognitive of emotions each couple and modifying the early maladaptive schemas and the kind of couple's attachment style, they contrasted the intrinsic elements to improve the couple's relationships during treatment considerations.

Keywords: Attachment Style, Early Maladaptive Schemas, Emotional Divorce, Emotional Intelligence

الگوی طلاق عاطفی بر اساس مؤلفه‌های طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های دلبستگی با میانجی‌گری هوش هیجانی

زهرا موسوی خرمی^۱

دانشجو دکتری، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و مشاوره (مدیریت و حسابداری)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، تهران، ایران.

فریده دوکانه‌ای فرد^{۲*}

دانشیار، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و مشاوره (مدیریت و حسابداری)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

رضا خاکپور^۳

استادیار، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و مشاوره (مدیریت و حسابداری)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، تهران، ایران.

چکیده

هدف: هدف پژوهش تعیین رابطه طلاق عاطفی بر اساس مؤلفه‌های طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های دلبستگی با میانجی‌گری هوش هیجانی و ارائه الگویی برای آن بود.

روش: روش پژوهش همبستگی از نوع اکتشافی - متوالی و هدایت شده و جامعه آماری شامل کلیه زنان متأهل مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر تهران در سال ۱۳۹۸ بالغ بر ۱۸۵۴ نفر بود. حجم نمونه بر اساس نرم‌افزار آماری اسپل پاور (۳۵۰ نفر) و با توجه به احتمال ۲۰ درصد افت آزمودنی‌ها تعداد نمونه ۳۷۲ نفر تعیین شد. روش نمونه‌گیری به صورت تصادفی چندمرحله‌ای بطوری که (شهر تهران به پنج منطقه شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز) تقسیم و سپس از هر منطقه تعداد پنج مرکز مشاوره انتخاب و از هر مرکز مشاوره تعداد ۱۵ نفر از زنان متأهل انتخاب شد. به طور کلی از هر منطقه ۷۵ زن متأهل مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره به عنوان نمونه انتخاب شد. ابزار پژوهش پرسشنامه طلاق عاطفی گانمن ۲۰۰۸، طرحواره‌های ناسازگار اولیه یانگ فرم کوتاه ۱۹۸۸، مقیاس دلبستگی بزرگسالان کولینز و رید ۱۹۹۰، هوش هیجانی باران ۱۹۹۷ بود. داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS و معادلات ساختاری smartpls تحلیل شد.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که الگوی بدست آمده می‌تواند طلاق عاطفی را بر اساس سبک دلبستگی ($\beta = -.0653, P=0/10$) و طرحواره‌های ناسازگار اولیه ($\beta = -.0683, P=0/10$) با میانجی‌گری هوش هیجانی پیش‌بینی کند و از برازش مطلوبی برخوردار بود. مسیر مستقیم سبک دلبستگی ($\beta = .0704, P=0/10$) و طرحواره‌های ناسازگار اولیه ($\beta = -.0763, P=0/10$) و هوش هیجانی ($\beta = -.0674, P=0/10$) بر طلاق عاطفی معنادار و مسیر غیرمستقیم نشان داد که سبک دلبستگی ($\beta = .0734, P=0/10$) و طرحواره‌های ناسازگار اولیه ($\beta = .0734, P=0/10$) با میانجی‌گری هوش هیجانی بر طلاق عاطفی شدت اثر مطلوبی داشته است.

نتیجه‌گیری: به منظور ایجاد انسجام و خلق رابطه زناشویی رضایتبخش براساس شناخت هیجان‌ات هر یک از زوجین و اصلاح طرحواره‌های ناسازگار اولیه و نوع سبک دلبستگی زوجین به تقابل عناصر درون روانی در جهت بهبود روابط زوج‌ها در طول ملاحظات درمانی پرداخت.

واژه‌های کلیدی: دلبستگی، طرحواره‌های ناسازگار، طلاق عاطفی، هوش هیجانی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۰۳

* نویسنده مسئول: f.dokaneifard@riau.ac.ir

مقدمه

با توجه به اینکه سلامت و پویایی خانواده ریشه در روابط زوجین دارد. براساس یافته‌های مختلف، بسیاری از مولفه‌های تهدیدکننده رضایت زناشویی با عدم کارکرد سالم خانواده مرتبط است (۲۰۱۱). کیفیت روابط زناشویی پدیده چندبعدی و شامل ابعاد گوناگون ارتباط زوج‌ها مانند سازگاری، رضایت، شادمانی، انسجام و تعهد در روابط را شکل دهد (۳). روابط رضایت‌بخش بین زوجین از طریق علاقه متقابل، میزان مراقبت از همدیگر و تفاهم قابل سنجش است و می‌تواند بر سلامت خانواده (۴) و از طرفی بر رشد و شکوفایی استعدادها، تکوین شخصیت، رشد جسمانی، شناختی، عاطفی و اخلاقی اعضای خانواده تأثیر گزار باشد (۵).

با توجه افزایش تعداد زوج‌های مشکل‌دار، به هم خوردن تعادل خانواده‌ها، مختل شدن روابط زوجین و آمار بالای طلاق در این واحد اجتماعی، زنان بیش از سایر اعضا در معرض آسیب قرار دارند (۶). بنابراین خانواده مهم‌ترین نهاد جامعه است و ورود هر عامل تنش‌زایی بر کارکردهای آن تأثیر می‌گذارد (۷). سازه‌های روان‌شناختی متعددی از سوی روانشناسان و مشاوران خانواده در حوزه روابط زناشویی مورد بررسی قرار گرفته است. یکی از مهم‌ترین سازه‌های روان‌شناختی و عامل‌های تئیدی‌گرا در خانواده و در روابط زوجین طلاق عاطفی^۱ است. طلاق عاطفی رابطه‌ای را توصیف می‌کند که در آن همسران، در محیط‌های اجتماعی خوب و صمیمی به نظر می‌رسند ولی در خلوت قادر به تحمل یکدیگر نیستند و نسبت به همدیگر هیچ گونه احساسی ندارند. طلاق عاطفی نه بعنوان یک اختلال مقطعی در زندگی زناشویی بلکه به صورت وضعیتی پایدار ظهور می‌یابد (۸). طلاق عاطفی به علت نبود تعاملات مثبت با همسر، عدم تأمین نیازهای عاطفی، نارضایتی جنسی، عدم جذابیت ظاهری، خیانت، مسائل مالی، بیماری‌های مزمن، بدرفتاری فیزیکی و غیره به وجود می‌آید و منجر به بروز علائم اضطراب، افسردگی، احساس گناه، ناامیدی، کناره‌گیری از فعالیت‌های اجتماعی، نگرش بدبینانه و پایدار درباره خود، همسر و آینده می‌شود (۹). وجود طلاق عاطفی در روابط زوجین منجر به اختلال در عملکرد جنسی می‌گردد. بر همین اساس در پژوهش‌های صورت گرفته نشان داده است که رضایت از روابط زناشویی با کنش وری‌های جنسی ارتباط دارد. از طرفی عملکرد جنسی زوجین با تجربه شکست عاطفی و وجود طرحواره‌های ناسازگار از عوامل سبب شناختی مهم در گرایش به رفتارهای پرخطر و فعالیت‌های جنسی نایم به شمار می‌رود (۱۰). با توجه به اینکه همه انسان‌ها گاهی در زندگی با چالش‌ها و مشکلاتی مواجه می‌شوند. در جریان این دشواری‌ها توجه به نیازهای یکدیگر و درک دنیای کیفی همدیگر منجر به بهبود کیفیت رابطه می‌شود و از طرفی باعث می‌شود زوج‌ها ادراک مثبت‌تر و خوشایندتری نسبت به خود، یکدیگر و رابطه زناشویی‌شان پیدا کنند (۱۱). بر این اساس زوج‌ها هنگامی اقدام برای درمان می‌کنند که در رابطه‌شان یک تغییر فاحش هیجانی یا یک بحران رخ داده باشد (۱۲). کارآمدی فرد در مسائل فردی و اجتماعی به طور قابل ملاحظه‌ای توسط تجربه‌های هیجانی و نحوه مواجهه و انطباق با رویدادها تعیین می‌شود، به طور کلی توانایی‌های هیجانی رفتار و پیامدهای زندگی را پیش‌بینی می‌کنند. مطالعات اخیر دانشمندان نشان می‌دهد در زندگی اجتماعی انسان میان احساس و تفکر، همبستگی بنیادی وجود دارد. عاطفه می‌تواند فرایند تفکر و محتوای فکر، قضاوت و رفتار را تحت تأثیر قرار دهد (۱۳).

شناخت در زمینه تأثیر ابعاد هیجان‌خواهی در زندگی زناشویی می‌تواند نقش مهمی را در جهت تحکیم روابط زناشویی و در نتیجه ثبات و استواری نهاد خانواده ایفا کند. از جمله عوامل مهمی

۱. Emotional Divorce

بزرگ‌منشی و خودانضباطی ناکافی، رابطه معناداری با کاهش رضایت از روابط عاشقانه دارند. یکی از مؤلفه‌های روان‌شناختی که به اعتقاد پژوهشگران نقش بنیادی در سازگاری افراد دارد، سبک دلبستگی است. جانسون و ویتبورن (۳۱) بیان داشتند که سبک دلبستگی نقش اساسی در ایجاد رضایت زناشویی دارد. کمرا و کالوت (۳۲)، بیان می‌دارند که سبک دلبستگی ناایمن پیش‌بینی کننده خوبی برای طرحواره ناسازگار اولیه است؛ بنابراین نوع دلبستگی می‌تواند تا اندازه‌ای پیش‌بینی کننده کیفیت سازگاری، نحوه تعامل، نحوه نگرش فرد به رابطه بین فردی صمیمی، رشد اجتماعی و هیجانی باشد (۳۳). نظریه پردازان تئوری دلبستگی معتقدند، انتظارات افراد هنگام ورود به روابط عاشقانه اغلب بر پایه روابط صمیمانه قبلی با مراقبان اولیه بر سبک دلبستگی و نحوه ارتباط با همسر و زندگی زناشویی آن‌ها تأثیر می‌گذارد (۳۴). افراد ایمن، اجتنابی و دوسوگر، راهبردهای کاملاً متفاوتی را برای تنظیم عواطف و پردازش اطلاعات هیجانی به کار می‌برند، این حالت هیجانی افراد را در شخصیت‌هایشان می‌توان شناخت. محققان نشان دادند که تأثیرات منفی هیجانات (خشم، نفرت، ناراحتی و ترس) در تعامل‌های زوج‌ها (۳۵) با خشونت و درگیری و اختلال در عملکرد جنسی مرتبط است (۳). با توجه به این امر که زنان مهم‌ترین گروهی هستند که هویت، جایگاه، نقش و کیفیت زندگی‌شان در عبور از جریان توسعه، دچار تحول، تغییر، تلاطم شده است؛ (۲۴) از این رو، اغلب به تضاد و فاصله‌گیری روان‌شناختی از همسر، تنش، استرس و فشار روی می‌آورند (۲۳). با توجه به اهمیت کارکرد خانواده و سلامت جامعه، این پژوهش می‌تواند اطلاعات مناسبی برای زوج‌ها جهت غنی‌سازی روابط زناشویی و کاهش تعارض‌های زناشویی و از طرفی کنترل هیجانات در روابط زوجین در خصوص برآورده نشدن نوع نیازهایشان داشته باشد. از جمله دستاوردهای تحقیقات پیرامون طلاق عاطفی، سبک‌های دلبستگی، طرحواره‌های ناسازگار اولیه و هوش هیجانی، درمانگران را سوق می‌دهد تا به جستجوی راهکارهایی برای ایجاد تغییرات در نوع شناخت و افکار و عملکردها و عواطف و هیجانات زوجین داشته باشند تا از این طریق باعث بهزیستی و بهبود روابط زوجین شوند. با توجه به جدید بودن موضوع و این‌که مشکلات ارتباطی زوجین در کشورمان به گونه‌های مختلفی روبه افزایش است، ضروری به نظر می‌رسد که بتوانیم داده‌های تجربی و اطلاعات آماری را در زمینه پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس طرحواره‌های ناسازگار اولیه، سبک‌های دلبستگی با میانجی‌گری هوش هیجانی بر روی زوجین، به دست آوریم. لذا بنا بر مطالب فوق و اهمیت موضوع در جامعه، پژوهش حاضر قصد دارد در پاسخ به پرسش الگوی مناسب برای پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس مؤلفه‌های طرحواره‌های ناسازگار اولیه، سبک‌های دلبستگی با میانجی‌گری هوش هیجانی زنان متأهل مراجعه‌کننده به مرکز مشاوره شهر تهران چگونه است؟ فرضیه‌های اساسی زیر را پاسخ دهد:

۱. طلاق عاطفی زنان متأهل بر اساس سبک‌های دلبستگی با میانجی‌گری هوش هیجانی قابل پیش‌بینی است.
۲. طلاق عاطفی زنان متأهل بر اساس طرحواره‌های ناسازگار اولیه با میانجی‌گری هوش هیجانی قابل پیش‌بینی است.

روش
پژوهش حاضر از لحاظ هدف پژوهشی بنیادی و از نظر روش جزء پژوهش‌های توصیفی - همبستگی از نوع اکتشافی-متوالی و هدایت شده بود. جامعه آماری پژوهش دربرگیرنده کلیه زنان متأهل مراجعه‌کننده به ۲۵ مرکز مشاوره شهر تهران در سال ۱۳۹۸ که تعداد آن‌ها بالغ بر ۱۸۵۴ نفر بود. روش نمونه‌گیری به صورت تصادفی چندمرحله‌ای (با توجه به تجربیات پیشین محقق،

که می‌تواند در رضایت زناشویی زوجین تأثیرگذار باشد، ساختار هوش هیجانی^۱ هریک از زوجین می‌باشد (۱۴)؛ (۱۵)، (۱۶)؛ عدم برون‌ریزی هیجانات منجر به ایجاد مشکلاتی در روابط زوجین می‌شود (۱۷). (۱۸)؛ بتول و خالید (۱۹) دریافتند که مؤلفه‌های خوش‌بینی، همدلی، بیانگری هیجانی، خودآگاهی هیجانی و کنترل تکانه‌ها نقش مهمی در روابط زناشویی دارند. گل‌من (۲۰) هوش هیجانی را عامل مهمی در شکوفایی توانایی افراد برای کسب موفقیت در زندگی تلقی می‌کند و آنرا با سلامتی عاطفی و در مجموع، سلامتی روانی مرتبط می‌داند. زوج‌هایی که هوش هیجانی بالاتری دارند احتمالاً توانایی بالایی در زمینه درک همسر خود در شرایط تعارض و اختلاف نظر خواهند داشت و بگونه‌ای می‌توانند عواطف و احساس‌های خود را به راحتی بروز دهند و مانع از طولانی شدن تعارض شوند و به این طریق روابط مطلوب و رضایت بیشتر و تعارض‌های کمتری را تجربه کنند. افرادی که هوش هیجانی پایین‌تری دارند، در مواجهه با استرس‌های زندگی، سازگاری و انطباقی پذیری ضعیف‌تری خواهند داشت و در نتیجه بیشتر به افسردگی، ناامیدی و دیگر پیامدهای منفی زندگی مبتلا می‌شوند (۲۱)، بدیهی است که نقض در مهارت‌های هیجانی همسران در کنار عوامل متعدد دیگر، آثار نامطلوبی بر زندگی مشترک زوج‌ها می‌گذارد (۲۲). از طرفی اغلب مشکلات بین فردی که زوجین تجربه می‌کنند تحت تأثیر شیوه تصور آنها در روابط خود با دیگری می‌باشد. این شیوه تصور طرحواره نامیده می‌شود. طرحواره‌ها شناخت دیگری را درباره زوجین و پاسخ‌های عاطفی و رفتاری آنها شکل می‌دهد، آنها می‌توانند در عبور از جنبه‌های پیچیده زندگی خانوادگی راهنمای مفیدی باشند، اما وقتی دچار تحریف می‌شوند، می‌توانند باعث تعارض خانوادگی شوند. تحول دانش در عصر جدید با فناوری‌های نوین و تغییر مناسبات اقتصادی از طرفی سبب رشد فکری، ارتقاء، سطح تحصیلات، میل به برابر خواهی و ورود به عرصه عمومی در زنان شده است؛ اما قالب‌ها و نقش‌های جنسیتی هنوز هم در برخی موارد محدودیت‌هایی را بر زنان برای مشارکت و حضور اعمال می‌کنند (۲۳). امروزه با همه تغییراتی که در دنیای مدرن و مقتضیات آن و از طرفی در دنیای ذهنی و آگاهی‌های زنان اتفاق افتاده، تغییر عینی و محسوسی در شیوه تقسیم کار جنسیتی و سبک جامعه‌پذیری بر پایه راهبردهای مقابله‌ای مناسب صورت نگرفته است به طوری که تلاش زنان برای مشارکت در بازار کار، به نوعی در مقابله با تجویزهای نقش جنسیتی محسوب شده و از طرفی نقش سنتی آنان «همسری، مادری و خانه‌داری» همچنان به عنوان «نقش اصلی» (در ابعاد مختلف فرهنگی و اجتماعی، به ایشان گوشزد می‌شود (۲۴). با توجه به اینکه طرحواره‌های ناسازگار اولیه هسته مرکزی اختلال‌های شخصیتی هستند و الگوهای گسترده و فراگیر متشکل از خاطره‌ها، هیجان‌ها، شناخت‌ها و احساس‌های بدنی مرتبط با خود و دیگران هستند (۲۵). آموزش الگوهای درست ارتباط والد-فرزند به والدین (۲۶)، مانع شکل‌گیری طرحواره‌های ناسازگار اولیه و آسیب‌های ناشی از آن می‌شود (۲۷). یانگ و کلاسکو و ویشار (۲۸)؛ بیان می‌دارند که طرحواره‌های ناسازگار اولیه^۲ الگوهای هیجانی و شناختی خود شکننده‌ای هستند که در جریان رشد آغاز و در سرتاسر زندگی تکرار می‌شوند (۲۷). در بررسی هادی، اسکندری، سهرابی، معتمدی و فرخی (۲۹) نتایج نشان داد که افراد دارای سطح دلبستگی بیمناک درجه بیشتری از طرحواره‌های ناسازگار را داشتند و دلبستگی دوسوگر با شور، هیجان و نگرانی در مورد روابط توأم با خرسندی کم، بروز طرحواره‌های ناسازگار در روابط زناشویی را نشان دادند. مکدمورت (۳۰) طرحواره بی‌اعتمادی / ب‌درفتاری، محرومیت هیجانی، استحقاق

¹ Emotional Intelligence

² Early Maladaptive Schemas

³ Attachment Style

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش

میانگین	انحراف استاندارد	ضریب کشیدگی	ضریب کجی
۳۰/۴۱	۳/۶۱	۱/۰۶۵	-۰/۸۸۶
۲۰/۹۷	۳/۴۴	۱/۰۷۷	-۰/۳۲۲
۲۰/۶۱	۶/۲۶	۰/۱۴۷	۰/۳۰۳
۱۰/۳۷	۲/۸۶	-۱/۰۲	-۰/۲۱

بر اساس میانگین و انحراف معیار بدست آمده نتایج نشان داده است که بیشترین میانگین در رابطه با سبک های دلبستگی و طرحواره های ناسازگار اولیه و هوش هیجانی در زنان می باشد و کمترین میانگین مربوط به طلاق عاطفی است. از آنجایی که میزان ضریب کجی و کشیدگی بین (۲ و -۲) می باشد، می توان بیان داشت که توزیع فوق نرمال است و از میانگین به عنوان مناسب ترین شاخص آمار پارامتریک می توان استفاده کرد. مفروضه های اصلی تحلیل رگرسیون (نرمال بودن، عدم وجود همخطی بین متغیرهای پیش بین (شاخص تحمل واریانس، VIF) و استقلال خطاها) به تفکیک متغیرهای پیش بین بررسی می شود. مفروضه نرمال بودن با کمک ضریب کشیدگی و کجی مورد آزمون قرار گرفت که نتایج آن گزارش گردید.

جدول ۲. نتایج عدم همخطی متغیرهای مستقل شاخص تحمل واریانس و عامل تورم واریانس

VIF (تورش واریانس)	تلورانس	دوربین واتسون
۱/۴۱۸	۰/۷۰۵	۲/۱۱۵
۱/۳۱۷	۰/۷۵۹	۲/۱۱۵

زمانیکه بیشتر از دو متغیر بررسی شوند؛ از پارامتر تحمل استفاده می شود و دامنه مقادیر پارامتر تحمل از صفر تا ۱ است. اندازه های پایینتر پارامتر تحمل نشان می دهد که بین متغیرهای پیش بین روابط قویتری وجود دارد. مقدار آماره دوربین واتسون نیز حاکی از برقراری مفروضه استقلال خطاها در بین متغیرهای پیش بین پژوهش است.

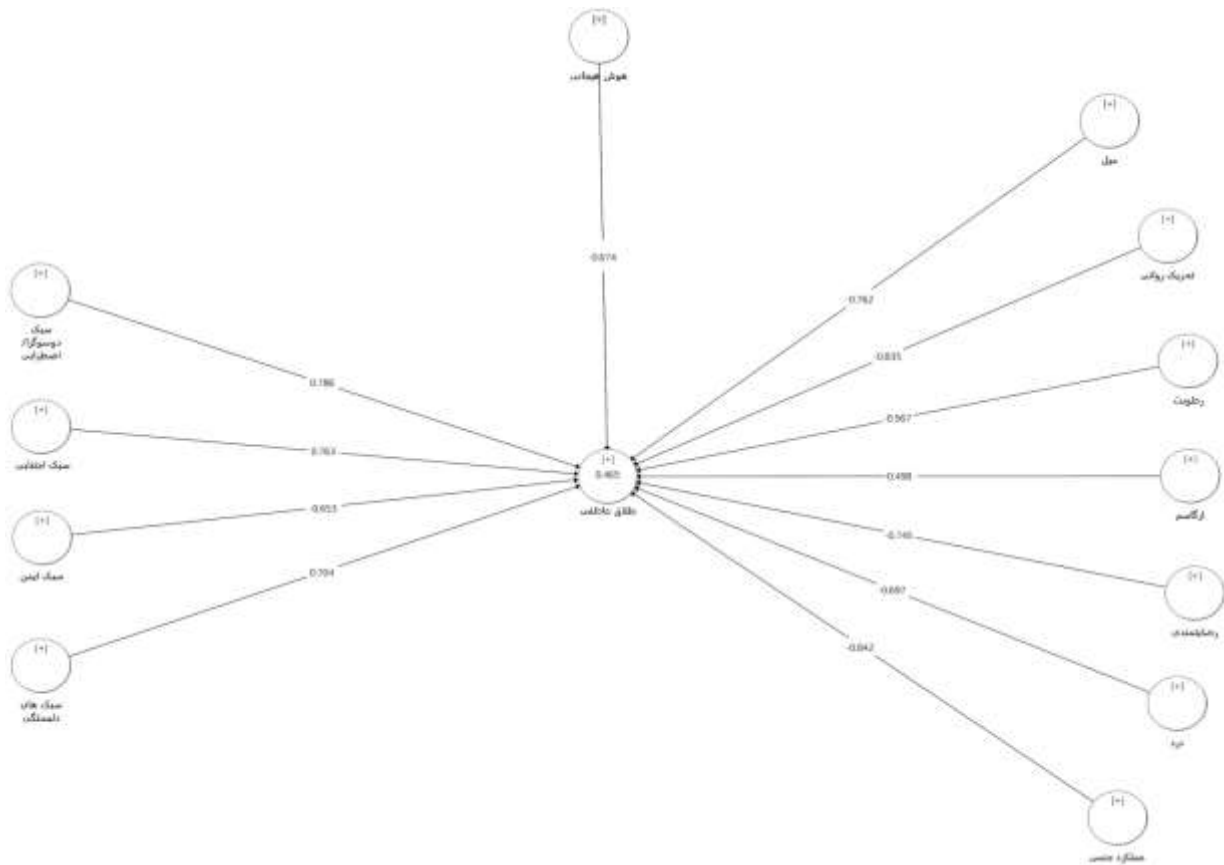
آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس ها بین ۰/۶۹ (مسئولیت پذیری اجتماعی) تا ۰/۸۶ (احترام به خود) با میانگین ۰/۷۶ به دست آمد. کریمی، یور زارع و همکاران (۳۹)، میانگین کل ضریب همسانی درونی پرسشنامه را ۰/۷۶ به دست آورد. ضریب آلفای کرونباخ این ابزار در پژوهش حاضر ۰/۷۹ به دست آمده است.

شیوه اجرا. پس از اخذ برگه معرفی نامه از دانشگاه واحد محل تحصیل به مراکز مشاوره شهر تهران مراجعه و اطلاعات اولیه جهت اجرای پژوهش به مدیریت مراکز مشاوره. کلینیک های روانشناختی شهر تهران توضیح داده شد. از آنجایی که شهر تهران به عنوان کلان شهر با جمعیت چند میلیونی دارای مناطق و نواحی مختلف و با توجه به احتمال اختلاف سطح فرهنگی، اجتماعی، طبقاتی و... ساکنین، شهر تهران به پنج منطقه (شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز) تقسیم شد و از هر منطقه تعداد پنج مرکز مشاوره به صورت تصادفی ساده انتخاب و از هر مرکز مشاوره تعداد ۱۵ زن متاهل به صورت غیر تصادفی، داوطلبانه و در دسترس به عنوان نمونه انتخاب شد، به طور کلی از هر منطقه ۷۵ زن متاهل انتخاب شد. با توجه به احتمال ۲۰ درصد افت آزمودنی ها تعداد نمونه ۳۷۲ نفر در نظر گرفته شد. بمنظور انجام پرسشنامه ها در ابتدا با زنان متاهلی که برای مشکلات زناشویی به مراکز مشاوره و کلینیک های روانشناختی مراجعه کرده بودند، اطلاعات اولیه از آزمودنیها اخذ شد و به آنها در مورد شرایط شرکت در پژوهش و اصول اخلاقی نظیر رضایت آگاهانه، رازداری و محرمانه ماندن اطلاعات شخصی توضیح داده شد. سپس پرسشنامه ها توسط آزمودنیها تکمیل شد. هنگام بررسی، ۲۲ پرسشنامه که بصورت ناقص و بدون پاسخ و یا به دو گزینه پاسخ داده بودند، کنار گذاشته شد و در نهایت ۳۵۰ پرسشنامه به عنوان نمونه مورد مطالعه، در نرم افزار معادلات ساختاری SPSS و Smart Pls مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. با توجه به پیچیدگی الگوی پژوهش از روش های واریانس محور الگوسازی معادلات ساختاری به منظور الگویایی معادلات ساختاری در دو بخش الگوی اندازه گیری و الگوی ساختاری استفاده شده است. در روش واریانس محور که نسل دوم معادلات ساختاری است. ابتدا آزمون همگن بودن سوالات یک متغیر اجرا گردید و بر اساس آن بقیه آزمون بر روی الگوی ساختاری اجرا گردید.

یافته‌ها

در این پژوهش بر اساس میانگین و انحراف معیار افراد مورد مطالعه بر اساس ویژگی جمعیت شناختی از لحاظ دامنه سنی (۲۸/۴۶ درصد) بین ۳۶ تا ۴۰ سال و از لحاظ تعداد فرزند (۴۶ درصد) دارای دو فرزند و از لحاظ میزان تحصیلات (۷/۱۴) درصد دارای مدرک دیپلم و (۱۷/۱۴) درصد دارای مدرک کاردانی و (۴۶/۸۵) درصد دارای مدرک کارشناسی و (۲۸/۸۵) درصد دارای مدرک کارشناسی ارشد و از لحاظ مدت تأهل (۳۰ درصد) بین ۱۱ تا ۱۵ سال و از لحاظ شغل (۴۷/۷۱) درصد خانه دار بودند.

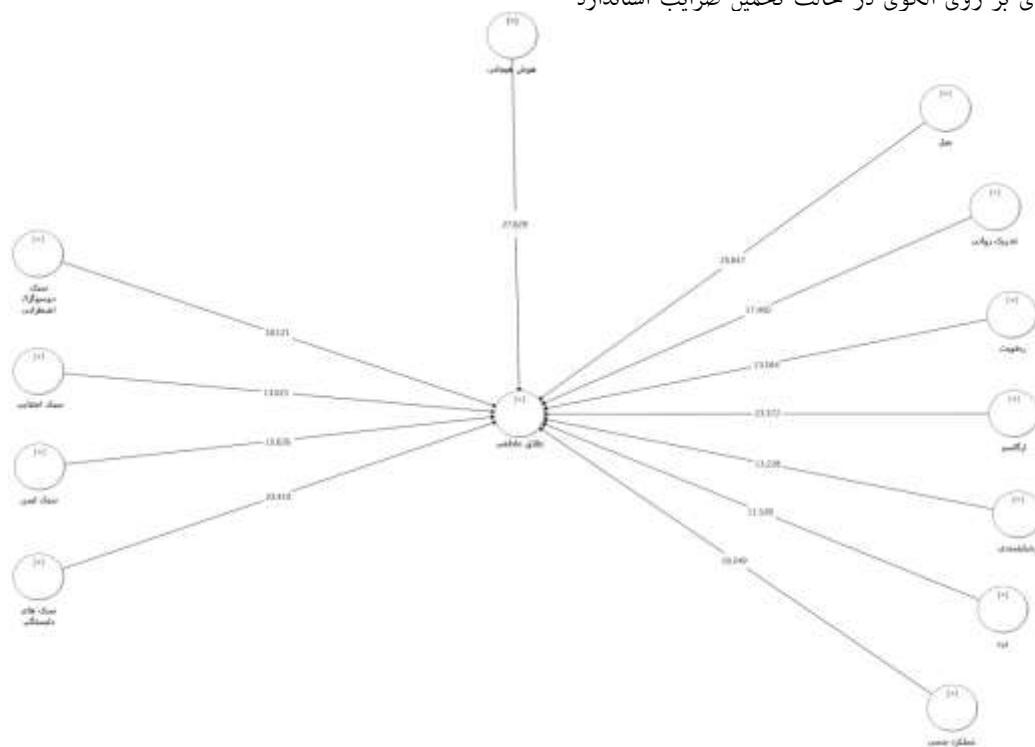
¹ Structural equation modeling (SEM)



شکل ۱. الگوی اندازه‌گیری در حالت تخمین ضرایب استاندارد

بدون حضور میانجی
سؤال حداقل بالای ۰/۷ بوده است.

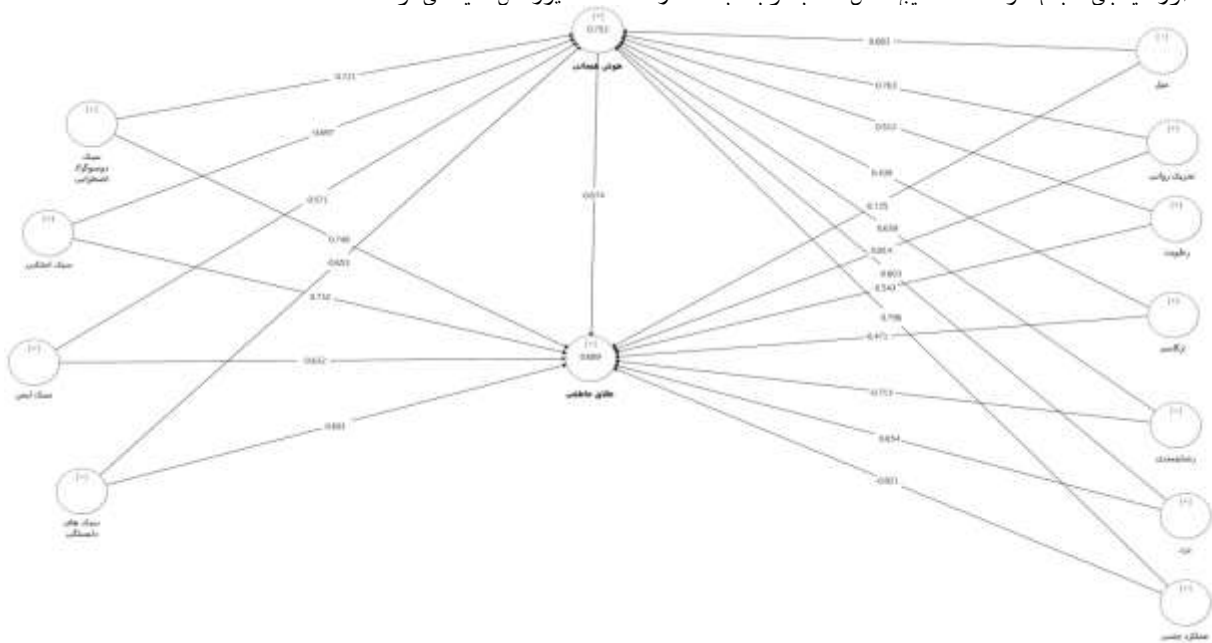
بدون حضور میانجی
نتایج شکل ۱ نشان می‌دهد که آزمون همگن بودن در قالب تحلیل
عاملی تأییدی بر روی الگوی در حالت تخمین ضرایب استاندارد



شکل ۲. الگوی اندازه‌گیری در حالت معناداری ضرایب بدون حضور میانجی

سطح معناداری که کمتر از ۰/۰۱ است و یا مقدار آماره تی که خارج از بازه ۱/۹۶- و ۱/۹۶ است فرض صفر رد و فرضیه‌های پژوهش تأیید می‌شود.

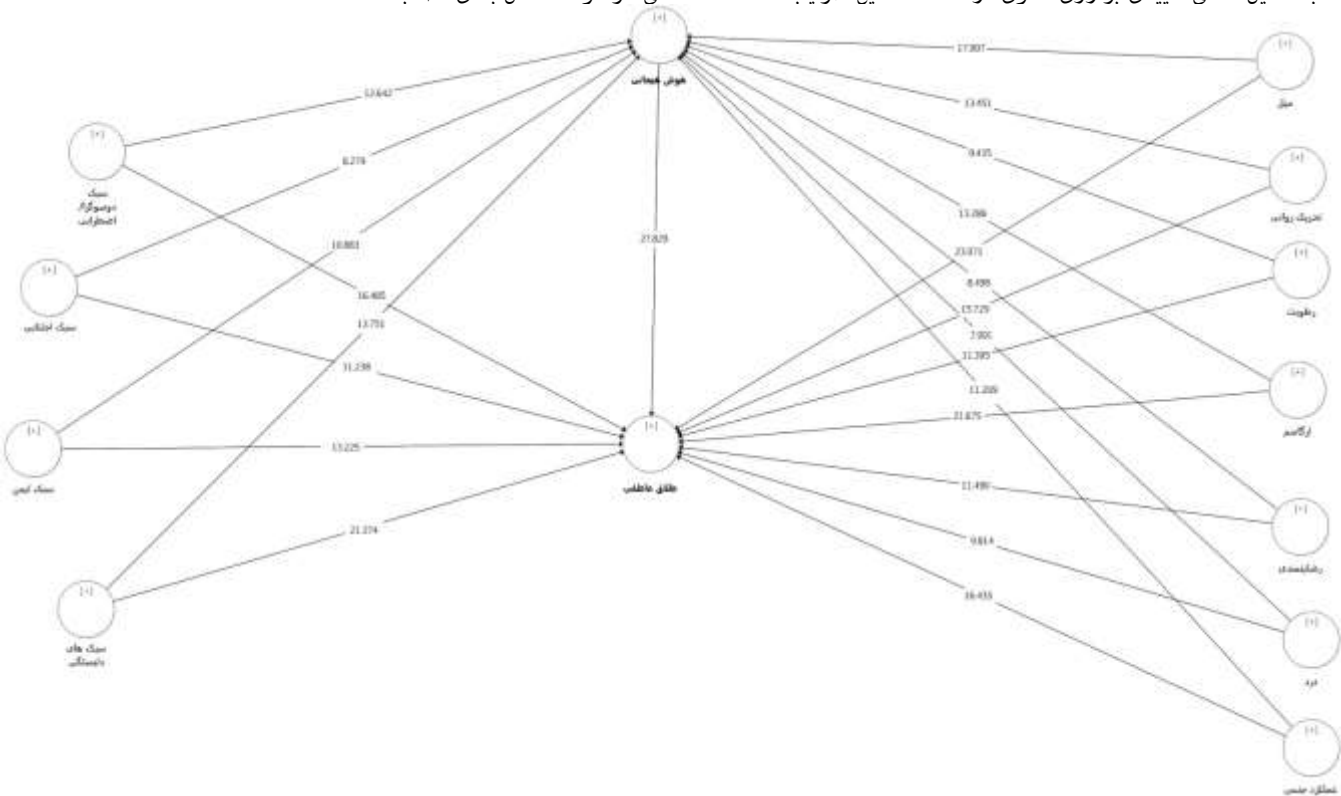
نتایج شکل ۲ نشان می‌دهد که آزمون همگن بودن در قالب تحلیل عاملی تأییدی بر روی الگوی در حالت معناداری ضرایب بدون حضور میانجی انجام گرفت که نتایج نشان داد با توجه به مقدار



شکل ۳. الگوی ساختاری در حالت تخمین ضرایب استاندارد با حضور میانجی

استاندارد با حضور میانجی انجام گرفت که نتایج نشان داد که بار عاملی هر سؤال حداقل بالای ۰/۷ باشد.

همچنین نتایج شکل ۳ نشان می‌دهد که آزمون همگن بودن در قالب تحلیل عاملی تأییدی بر روی الگوی در حالت تخمین ضرایب



شکل ۴. الگوی ساختاری در حالت معناداری ضرایب با حضور میانجی

از ۰/۰۱ است و یا مقدار آماره تی که خارج از بازه ۱/۹۶- و ۱/۹۶ است فرض صفر رد و فرضیه‌های پژوهش تأیید می‌شود.

همچنین نتایج شکل ۴ نشان می‌دهد که آزمون همگن بودن در قالب تحلیل عاملی تأییدی در حالت معناداری ضرایب با حضور میانجی نتایج نشان داد با توجه به مقدار سطح معناداری که کمتر

جدول ۳: نتایج آزمون پایایی الگوی طلاق عاطفی بر اساس مؤلفه‌های طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های دلبستگی با میانجی‌گری هوش هیجانی (n=۳۵۰)

پایایی ترکیبی > پایایی اشتراکی	پایایی اشتراکی	پایایی ترکیبی دل‌بین کلدشتاین	همبستگی اسپیرمن	آلفای کرونباخ	
0/755 > 0/902	0/755	0/902	0/953	0/842	حوزه طرد و بریدگی
0/660 > 0/794	0/660	0/794	0/701	0/788	حوزه خودگردانی و عملکرد مختل
0/719 > 0/837	0/719	0/837	0/719	0/712	حوزه دیگر جهت مندی
0/777 > 0/873	0/777	0/873	0/791	0/761	حوزه محدودیت های مختل
0/803 > 0/890	0/803	0/890	0/813	0/760	حوزه گوش به زنگی و بازداری
0/711 > 0/925	0/711	0/925	0/716	0/899	سبک اجتنابی
0/692 > 0/860	0/692	0/900	0/725	0/861	سبک اضطرابی
0/665 > 0/878	0/665	0/888	0/874	0/836	سبک ایمن
0/792 > 0/883	0/792	0/883	0/922	0/754	سبک دلبستگی
0/776 > 0/874	۷۷۶/۰	0/874	0/737	0/714	طرحواره‌های ناسازگار
0/669 > 0/889	0/669	0/889	0/865	0/835	طلاق عاطفی
0/613 > 0/863	۶۱۳/۰	0/863	0/809	0/793	هوش هیجانی

بزرگ‌تر از پایایی اشتراکی است، بنابراین می‌توان ادعا نمود الگو دارای همگرایی است و نیز کلیه شاخص‌های پایایی اشتراکی بالاتر از ۰/۵ است. همچنین بر اساس سه آزمون بارهای عرضی، فورنر لارکر و روایی واگرا در این پژوهش مورد تأیید قرار گرفت و با تأیید روایی همگرا می‌توان ادعا کرد که الگوی تدوین شده از روایی سازه برخوردار است. با توجه به اینکه کیفیت جایگزین برآزش در معادلات ساختاری کوواریانس محور است، از شاخص اشتراکی روایی متقاطع استفاده شد که مقادیر الگو شاخص کیفیت اندازه‌گیری بالاتر از ۰/۱۵ به دست آمد که نشان می‌دهد الگوی اندازه‌گیری از کیفیت بالایی برخوردار است.

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که پایایی الگو بر اساس ضریب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی، همبستگی اسپیرمن نشان داد در هر یک از متغیرها بالای ۰/۷ است. از طرفی پایایی اشتراکی متغیرهای مورد بررسی بالاتر از ۰/۵ است؛ بنابراین بر اساس چهار آزمون پایایی، الگو مورد تأیید قرار می‌گیرد و می‌توان ادعا نمود که نتایج پژوهش به نمونه‌های دیگری از همان جامعه قابل تعمیم است. به‌منظور بررسی روایی سازه الگو انعکاسی روایی همگرا و واگرا از دو آزمون میانگین واریانس استخراجی و مقایسه آزمون پایایی ترکیبی با میانگین واریانس استخراجی مورد سنجش قرار گرفت. نتایج نشان داده است که کلیه متغیرها دارای پایایی ترکیبی

جدول ۴. معناداری فرضیات و شدت و جهت تأثیر آن‌ها بر اساس مسیر مستقیم و غیرمستقیم

نتیجه	ضرایب معناداری	ضرایب استاندارد	
معنادار	11/025	0/664	حوزه طرد و بریدگی < طلاق عاطفی
معنادار	9/805	-0/610	حوزه طرد و بریدگی < هوش هیجانی
معنادار	21/912	0/549	حوزه خودگردانی و عملکرد مختل < طلاق عاطفی
معنادار	16/108	-0/537	حوزه خودگردانی و عملکرد مختل < هوش هیجانی
معنادار	23/856	0/620	حوزه دیگر جهت مندی < طلاق عاطفی
معنادار	13/426	-0/593	حوزه دیگر جهت مندی < هوش هیجانی
معنادار	19/455	0/706	حوزه گوش به زنگی بیش از حد و بازداری < طلاق عاطفی
معنادار	15/087	-0/685	حوزه گوش به زنگی بیش از حد و بازداری < هوش هیجانی
معنادار	11/066	0/513	حوزه محدودیت مختل < طلاق عاطفی
معنادار	9/437	-0/491	حوزه محدودیت مختل < هوش هیجانی
معنادار	11/238	0/732	سبک اجتنابی < طلاق عاطفی
معنادار	8/279	-0/697	سبک اجتنابی < هوش هیجانی
معنادار	16/485	0/749	سبک اضطرابی/دوسوگرا < طلاق عاطفی
معنادار	12/642	-0/721	سبک اضطرابی/دوسوگرا < هوش هیجانی
معنادار	13/225	-0/632	سبک ایمن < طلاق عاطفی
معنادار	10/883	0/571	سبک ایمن < هوش هیجانی
معنادار	23/157	0/734	طرحواره های ناسازگار < طلاق عاطفی
معنادار	17/537	-0/683	طرحواره های ناسازگار < هوش هیجانی

معنادار	0/691	21/374	سبک دلستگی - طلاق عاطفی
معنادار	-0/653	13/751	سبک دلستگی - هوش هیجانی
معنادار	-0/674	27/829	هوش هیجانی - طلاق عاطفی

پژوهشی حاکی از آن است که رضایتمندی از روابط زناشویی به زوجین کمک می‌کند تا بتوانند براساس شناخت سبک‌های دلستگی و هیجان‌ها به بازسازی تفکرات، احساسات و هیجان‌ها، رفتارها و نشانه‌های جسمانی خود بپردازند (۴۷).

در تعمیم یافته‌های این پژوهش باید متذکر شد که داده‌های این پژوهش در یک مقطع زمانی خاص به دست آمد و جامعه مورد پژوهش و نیز حجم نمونه یکی از محدودیت‌های این پژوهش است. همچنین، برای سنجش متغیرها روش خودسنجی به کار گرفته شد و از پرسشنامه برای جمع‌آوری داده‌های مورد نظر استفاده گردید. علاوه بر این، متغیرهای مورد بررسی در این پژوهش ممکن است تحت تأثیر متغیرهای شخصیتی، راهبردهای مقابله‌ای، باورهای مذهبی، وضعیت اقتصادی-اجتماعی و نوع ساختار خانواده و از این دست باشد که از محدودیت‌های این پژوهش به حساب می‌آید؛ به همین دلیل می‌توان با تدوین و هنجاریابی پرسشنامه طلاق عاطفی بر اساس جمعیت و هنجارهای ایرانی سنجش دقیق‌تری داشت. لذا برای پژوهش‌های آتی در این زمینه پیشنهاد می‌گردد، تحلیل‌های گسترده‌ای ارائه شود و پژوهشگران بتوانند مبانی نظری حاصل از این پژوهش را ملاک قرار بدهند و بر اساس آن، فرضیه‌های متعددی را مطرح و آزمون کنند. همچنین پیشنهاد می‌شود با انجام یک طرح کیفی به بررسی دقیق‌تر طلاق عاطفی زنان پرداخته شد تا نتایج حاصل از آن گویای وضعیت فعلی زنان باشد؛ بنابراین با توجه به یافته‌های پژوهش در خصوص پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس مؤلفه‌های طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سبک دلستگی با میانجی‌گری هوش هیجانی پیشنهاد می‌شود که اقداماتی همچون آموزش‌هایی در زمینه زوج‌درمانی و خانواده‌درمانی از طریق برگزاری کارگاه‌های آموزشی به منظور افزایش آگاهی همسران در مورد نقش هوش هیجانی و سبک‌های دلستگی و طرحواره‌های آن‌ها در میزان طلاق عاطفی و بهبود روابط زوجین توسط متخصصان حوزه خانواده‌درمانی در مراکز بالینی و مشاوره‌ای، صورت گیرد.

موازین اخلاقی

در این پژوهش موازین اخلاقی شامل اخذ رضایت آگاهانه، تضمین حریم خصوصی و رازداری رعایت شد. همچنین زمان تکمیل پرسشنامه‌ها ضمن تأکید به تکمیل تمامی سؤالات، شرکت‌کنندگان در مورد خروج از پژوهش در هر زمان و ارائه اطلاعات فردی مختار بودند. به آن‌ها اطمینان داده شد که اطلاعات محرمانه می‌ماند و این امر نیز کاملاً رعایت شد.

سپاسگزاری

از همکاری مسئولان مراکز مشاوره و کلینیک‌های روانشناختی و تمامی شرکت‌کنندگان در پژوهش تشکر و قدردانی می‌شود.

مشارکت نویسندگان

این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول در رشته مشاوره دانشکده علوم تربیتی و مشاوره (مدیریت و حسابداری)، گروه مشاوره بود که در تاریخ ۱۳۹۸/۸/۱۲ توسط معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن به تصویب رسیده انجام شده است. زهرا موسوی خرمی با کد-0000-0003-3504 ORCID 7848، دکتر دوکانه‌ای فرد با کد-0000-0002-5571-8349 و دکتر خاکپور با کد-0000-0003-3314-6551 ORCID نقش یکسانی در طراحی، مفهوم‌سازی، روش‌شناسی، گردآوری داده‌ها، تحلیل آماری داده‌ها، پیش‌نویس، ویراستاری و نهایی سازی نوشته داشتند.

نتایج جدول ۴ در خصوص بررسی سؤالات پژوهش مبنی بر اینکه آیا بر اساس مؤلفه‌های طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های دلستگی، هوش هیجانی می‌تواند طلاق عاطفی زنان متأهل مراجعه‌کننده به مرکز مشاوره شهر تهران را پیش‌بینی کرد؟ بررسی معناداری مسیرهای مستقیم نتایج نشان داده است که مسیر مستقیم مؤلفه‌های طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های دلستگی، هوش هیجانی بر طلاق عاطفی با توجه به مقدار سطح معناداری که کمتر از ۰/۰۱ است و نیز مقدار ضرایب معناداری آماره تی که خارج از بازه ۲/۵۸- و ۲/۵۸ است در سطح اطمینان ۰/۹۹ فرض صفر را رد و فرض پژوهش را که خبر از وجود تأثیر معنادار مؤلفه‌های طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های دلستگی، هوش هیجانی بر طلاق عاطفی است را تأیید می‌کند. بر همین اساس می‌توان بیان داشت که فرضیه پژوهش تأیید می‌گردد. همچنین به منظور بررسی مسیر غیرمستقیم رابطه در خصوص پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس مؤلفه‌های طرحواره‌های ناسازگار اولیه، سبک‌های دلستگی با میانجی‌گری هوش هیجانی نتایج ضرایب معناداری به دست آمده نشان می‌دهد که مسیر غیرمستقیم بین سبک‌های دلستگی و مؤلفه‌های آن با میانجی‌گری هوش هیجانی بر طلاق عاطفی با توجه به مقدار ضرایب معناداری آماره تی در سطح اطمینان ۰/۹۹ معنادار است. نتایج شمول واریانس (۰/۹۴۷) نشان داده است که هوش هیجانی برای دو متغیر سبک دلستگی و طلاق عاطفی و نیز نتایج شمول واریانس طرحواره‌های ناسازگار اولیه (۰/۹۵۴) نقش میانجی‌گری کامل دارد. همچنین بر اساس نتایج به دست آمده نشان داده که الگوی اندازه‌گیری با الگوی ساختاری هر دو از کیفیت نسبتاً مناسب و بالایی برخوردار است.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر حاکی از رابطه طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های دلستگی با میانجی‌گری هوش هیجانی بر طلاق عاطفی زنان متأهل مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر تهران بود. که این یافته‌ها هم راستای پژوهش‌های شمس آبادی و همکاران (۴۰)، صابونچی و همکاران (۴۱)، جزایری (۴۲)، صمدی کاشان و همکاران (۴۳)، آریز فر و همکاران (۴۴)، کریمی پور زارع و همکاران (۳۹)، جاروان و آفرید (۴۵)، محمدی مهر و همکاران (۱۴)، ساکولاسپیریست و همکاران (۲۵) است. ادبیات پژوهشی و پژوهش‌های مروری نیز قویاً نشان داده اند که هوش هیجانی نقش اساسی در بروز طلاق عاطفی دارد. در تبیین این یافته‌ها می‌توان چنین عنوان کرد که روابط رضایت‌بخش بین زوجین از طریق علاقه متقابل، میزان مراقبت از همدیگر و تفاهم همدیگر قابل سنجش است. عوامل گوناگونی از جمله: رضایت زناشویی، سبک دلستگی زوجین و میزان تاب‌آوری و تحمل ناکامی و تنظیم هیجان‌ها زوجین می‌تواند بر سلامت خانواده تأثیر بگذارد (۲۹). همچنین همسو با نتایج پژوهش حاضر در مورد طرحواره‌های ناسازگار اولیه نتایج پژوهش‌های مکدمورت (۳۰)، پولیمنت، مور و گرونرت (۱۰) نیز حاکی از رابطه طرحواره‌های ناسازگار اولیه بر طلاق عاطفی دارد. همچنین همسو با نتایج پژوهش چینگ و همکاران (۴۶) است. در تبیین این یافته‌ها می‌توان اینگونه بیان کرد که اغلب مشکلات بین فردی که زوجین تجربه می‌کنند تحت تأثیر شیوه تصور آن‌ها در روابط خود با دیگری است. وقتی طرحواره‌ها دچار تحریف می‌شوند، می‌توانند باعث تعارض خانوادگی شوند. طرحواره‌های طرد، وابستگی و اطاعت پیش‌بینی‌کننده نارضایتی زناشویی در زوجین ایرانی و محرومیت عاطفی، پیش‌بینی‌کننده نارضایتی در زوجین است (۳۰). مرور پیشینه

References

1. Trudel G & Goldfarb MR. (2010). Marital and sexual functioning and dysfunctioning, depression and anxiety. *Sexologies: European Journal of Sexology and Sexual Health / Revue européenne de sexologie et de santé sexuelle*; 19(3):137-142.
2. Arfaie A, Mohammadi A, Sohrabic R. (2013). Relationship between marital conflict and child affective behavioral psychopathological symptoms. *Journal of Procedia-Social and Behavioral Sciences*; 84: 1776-1778.
3. Yousefi R, Adhamian E & Abdul Mohammadi K. (2016). The role of maladaptive schemas, personality traits and attachment style in predicting the symptoms of love trauma syndrome. *Social Psychological Studies of Women*; 14(3)
4. Lavasani Ahmadi T. (2017). Association between Maltreatment in Childhood and Emotional Divorce: Mediating Role of Attachment Styles, Early Maladaptive Schemas and Difficulty in Emotional Regulation, *Journal of Health Promotion Management*; 6(4):49-58.
5. Masarik AS, Conger R. (2017). Stress and child development: review of the family stress model. *Curr Opin Psychol*; 13(3):85-90.
6. Ebrahimi L. (2018). The Effectiveness of Marital Counseling Based on Human Validation Patterns in Reducing Conflict and Increasing Marital Satisfaction of Veterans' Couples. *quarterly Journal of women & society*; 8(32):247-264.
7. Marchal JP, Maurice-S H, Trotsenburg AP & Grootenhuis MA. (2017). Mothers and fathers of young dutch adolescents with down syndrome: Health related quality of life and family functioning. *R Abstracts submitted to the Amsterdam Kindersymposium*; 97
8. Motataianu I. (2015). The relation between anger and emotional synchronization in children from divorced families. *Journal of Social and Behavioral Science*; 203:158- 162.
9. Luminita A & Speranta P. (2010). Emotional consequences of parental divorce and separation on preschool children. *Journal of Mental Health*; 7(3): 291- 296.
10. Poliment AM, Moors SM & Grunert S. (2010). MMPI-2 profiles of client with substance dependencies accessing a therapeutic community treatment facility. *Electronic Journal of Applied Psychology*; 6(1):1-9.
11. Robey PA, Wubbolding NRE & Carlson J. (2017). *Contemporary issues in couples counseling: A choice theory and reality therapy approach*. New York: *Rutledge*.
12. Ghazanfari B, Arshad Keshavarzi F, Hassani F, Emamipour S & et al. (2018). Effectiveness of couple therapy based on Choice Theory on conflict resolution styles and marital relationship quality of incompatible couples. *Quarterly of Applied Psychology*; 12(1):47-62
13. Salmanian K, Ameri Z. (2016). A Study of Attachment Styles on Emotional Divorce among Free Students in Abadan. *The first national conference on new research in psychology, counseling and educational sciences*.
14. Mohammadimehr Z & Ayatollah Karimi B. (2017). The relationship between emotional intelligence, attachment styles and optimism with Maritals satisfaction. *Interdisciplinary Journal of Education*; 11(2):50-59
15. Lalasz CB, Weigel DJ. (2011). Understanding the relationship between gender and extradyadic relations: The mediating role of sensation seeking on intentions to engage in sexual infidelity. *Personality and Individual Differences*; 50(7):1079-83.
16. Lavalekar A, Kulkarni P & Jagtap P. (2010). Emotional intelligence and marital satisfaction. *Journal of Social Psychology*, 185-194.
17. Kamel Abbasi A, Tabatabaei SM, Aghamohammadiyan Sharbaf H, Karshki H. (2016). Relationship of Attachment Styles and Emotional Intelligence With Marital Satisfaction. *Iran J Psychiatry Behav Sci*; 10(3): e2778.
18. Jensen M, Chassin L & Gonzales NA. (2017). Neighborhood moderation of sensation seeking effects on adolescent substance use initiation. *J. Youth Adolesc. Journal of Psychiatry*;
19. Batool SS & Khalid R. (2012). Emotional Intelligence: A Predictor of Marital Quality in Pakistani Couples. *Pakistan Journal Psychological Research*; 27(1):65-88.

20. Goleman D. (2005). Emotional Intelligence. *Bantam Books; Psychology*; 358.
21. Khademi A, Valipour M, Moradzadeh Khorasani L, Neishabouri S. (2015). Relationship between personality traits and marital satisfaction and its components among the married couples, *Journal of Applied Psychology*; 8(4):95-109.
22. Raghibi M, Gharehchahi M. (2013). An Investigation of the Relation between Emotional and Spiritual Intelligence among Well-Adjusted and Discordant Couples. *Quarterly Journal of Women and Society*; 4(13):123-140.
23. Heydari, Deghani A. (2017). Qualitative study on consequences of married women's employment and its moderators: School teaches in Delvar City, *Journal of Sociology of Social Institutions*; 3(8):73-95.
24. Balali E, Bakhtiari Safar Z, Mohammadi A, Mohagegi H. (2017). Effective factors of role conflict in women and its effect on family conflicts in Hamadan. *Journal of Applied Sociology*; 27(4):117-132.
25. Sakulsriprasert C, Phukao D, Kanjanawong S & Meemon N. (2016). The reliability and factor structure of Thai Young schema questionnaire-short form. *Asian Journal of Psychiatry*; 24(1):85-90.
26. Ahmadi F, Nasrollahi B. (2019). Prediction of unrelenting standards/hyper criticalness schema based on irrational beliefs of parents and parent-child communication patterns, *Journal of Applied Psychology*; 12(4):595-616.
27. Khorasani Zadeh A, Poursharifi H, Ranjbaripour T, Bagheri F & et al. (2014). Structural pattern of the relationship between parent-child relation patterns and early maladaptive schemas with the mediating role of attachment styles, *Journal of Applied Psychology*; 13(1):55-76.
28. Young JE, Klosko JS & Weishaar ME. (2003). *Schema therapy: A practitioner's guide*. New York: Guilford Press.
29. Hadi S, Eskandari H. (2017). Structural models predict marital commitment based on attachment styles and mediator variables self-control and early maladaptive schemas(in people with emotional extramarital relations). *Counseling Culture and Psychotherapy*; 7(28), 33-60.
30. McDermott N. (2017). *Early maladaptive schemas, attachment, negative affect and relationship satisfaction*. MA thesis. Rowan University.
31. Johnson MS & Wittenborn KA.(2012). New Research Findings on motionallyFocused Therapy: Introduction to Special Section. *Journal of marital and family therapy*; 38(1):18–22.
32. Camara M & Calvete E .(2012). Cognitive Sschemas Predicting Anxiety and Depressive Symptoms: the role of dysfunctional coping strategies. *Journal of European Psychiatry*; 27(1):1-8.
33. Kalil A, Ryan R & Chor E. (2014). "Time investments in children across family structures". *The Annals of the American Academy of Political and Social Science*; 654(1):150–168.
34. Hashemi S, Dortaj F, Sadipour E, Asadzadeh H. (2018). Structural model of shame and guilt feelings based on parenting styles: The mediating role of attachment styles, *Journal of Applied Psychology*; 11(4):475-493.
35. Power, Orlaith. (2019). An Investigation of the Association between Adult Attachment Styles, Emotional Intelligence and Marital Satisfaction as an outcome. *Undergraduate thesis*, Dublin, National College of Ireland.
36. Mousavi SF, Reza zadeh SMR. (2014). *Women's Studies Sociological and Psychological*; 12(3),
37. Pakdaman S, Khanjani M. (2012). The Role of Perceived Parenting in the Relationship between Attachment and Collectivism Styles among University Students, *Social Psychology Research*, 1(4):81.
38. Parker, James J. Summerfeldt L, Marjorie J & et al. (2014). Emotional intelligence and academic success: examining the transition from high school to university. *Journal of Personality and Individual Differences*.
39. Karimipour Zare F, Jokar Kamalabadi M, Hosseini FS. (2017). Predicting emotional divorce based on emotional intelligence and spiritual health in married people in Bushehr, *Islamic Research Journal of Women and Family*; 5(9):93-112.

40. Alidadi Shamsabadi S, Majidpour Azad Shirazi M. (2009). A review of the effect of sexual schema on sexual dysfunction and marital dissatisfaction of women. *Journal of Applied Studies in Social Sciences and Sociology*; 2(1):11-21
41. Saboonchi F, Dokaneifard F, Behboudi M. (2020). Structural model of marital satisfaction based on attachment styles and early maladaptive schemas with mediation of sensation seeking, *Journal of Applied Psychology*; 14(1):119
42. Jazayeri D, Dortaj F. (2018). Developing a model of happiness based on personality traits, emotional intelligence, attachment style, voluntary activities and demographic characteristics, *Quarterly of Counseling Culture and Psychotherapy*; 9(35):27-56
43. Samadikashan, Jafari, Mahmoodpour, Ghasemzadeh. (2019). Prediction of divorce and loneliness tendency based on attachment styles with respect to the role of mediation self-differentiation, *Counseling Research & Developments*; 17(68): 128-151.
44. Arianfar. (2017). Structural Equation Modeling of the predicting marital conflict on the basis of initial maladaptive schemas of the cuts and rejection areas and the mediatory variable of the lovemaking styles, *Quarterly of Counseling Culture and Psychotherapy*; 8(29):107-134.
45. Jarwan A, Alfrehat B. (2020). Emotional Divorce and its Relationship with Psychological Hardiness. *International Journal of Education and Practice*; 8(1):72-85.
46. Ching-Yu H, Skultip S, Nipat Bock P, Julie M & et al. (2020). Parental Attachment, Adult-Child Romantic Attachment, and Marital Satisfaction: An Examination of Cultural Context in Taiwanese and Thai Heterosexual Couples. *Journal of International Journal of Environmental Research and Public Health*; 17:692.
47. Bahrami M, Kamrani Saleh B. (2017). A Study of the relationship between personality traits and attachment styles with sensation seeking of the operational forces of a military organization; 7(28): 29-44.